

اصول محاکمات حقوقی

ابلاغ بمعجل اقامت

اگر مأمور نتواند عرضحال را به شخص او برساند یکی از اهل خانه و یا کسان او که متصدی امور او هستند تبایغ مینماید عبارت « یکی از اهل خانه و یا کسان او که متصدی امور او هستند » خالی از اشکال نیست زیرا :

اولاً منظور از اهل خانه که متصدی امور او هستند چه کسانی میباشد معمولاً نوکر و خدمتکار و پیشکار و سرایدار و دربان از اهل خانه که متصدی امور مدعی علیه هستند محسوب میشوند همین طور مدیر مهلخانه که مدعی علیه نزد او منزل دارد نیز مشمول این عنوان خواهد بود حال به بینیم منظور از « کسان او که متصدی امور او هستند » چیست آیا اولاً شرط تصدی امور باید درباره آنها نیز موجود باشد ثانیاً بستگان تا چه درجه مشمول این عنوان خواهند بود ثالثاً به بستگانی که در خانه مدعی علیه منزل ندارند میشود ابلاغ کرد یا نه ؟

اگر اشخاص مذکور نباشند یا نخواهند رسید بدهند مأمور ابلاغ در شهر بکلاتری محل و در نقاطی که مأمور شهربانی نیست به بخشداری و اگر بخشداری نیست بامنیه و بالاخره بکدخدا عرضحال را تسلیم کرده رسید میگیرد مأمورین مذکور مکلف هستند عرضحال و منضمات را به مدعی علیه برسانند و الا مشمول خساراتی خواهند بود که ممکن است از صدور حکم غیابی بمدعی علیه وارد شود در هر حال رسید از کلاتری و سایر مأمورین مذکور برای

ابلاغ که با توسل بان اطراف دوی از اقدامات قضائی که بعمل آمده است مطلع میشوند دارای آثار مهمی میباشد در بعضی از کشورها ابلاغ وسیله اشخاصی که دارای مشاغل آزادی هستند و مستخدم دولت بوده منتهی تابع نظامات عدلیه میباشد بعمل میاید در ایران ابلاغ بوسیله خدمتگذاران مخصوص انجام میگردد در برخی دیگر از کشورها پیشنهاد کرده اند که ابلاغ بوسیله پست سفارشی انجام گیرد ولی توسل به این طریقه دارای معایبی است زیرا علاوه بر آنکه ممکن است اوراق و بسته های مربوطه گم شده و از بدین بردا غلب مأمورین پست آشنا به مقررات قانونی ابلاغ نبوده و ممکن است در طرز ابلاغ اشتباه نمایند قطع نظر از اینها مأمور ابلاغ که بمدعی علیه مراجعه میکند اغلب او را راهنمایی نموده و حال آنکه مأمور پست از عهده انجام این راهنمایی برنمیاید در ایران ابلاغ بوسیله پست در نظامنامه تعقیب انتظامی و کلا پیش بینی شده است ولی تا کنون نتایج مفیدی نداده است.

ترتیب ابلاغ

ابلاغ بشخص

بموجب ماده ۲۷ آزمایش عرضحال با منضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود طبیعی است که مأمور ابلاغ قلاً باید هویت کسی را که بار ابلاغ میاید احراز کند و گرنه مشمول خسارات وارده خواهد بود

تصدیق میکنند و این تصدیق بمنزله ابلاغ در رونده بایگانی میشود
 بموجب ماده ۲۷ آزمایش مکرر کلمه نوشتجات راجع
 بمتداعیین محل اقامتیکه معین کرده اند فرستاده میشود
 و مدام که تغییر محل اقامت خودشانرا بدادگاه اطلاع
 نداده اند نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد نوشتجاتیکه باقلمتگاه
 اول آنان فرستاده شده متعذر بشوند و در این صورت کلمه
 نوشتجات در دفتر خانه دادگاه میماند و متداعیین نمیتوانند
 بعدم اطلاع از آن نوشتجات متعذر گردند.

در اینجا اشکالی پیش می آید. فرض کنیم مدعی علیه
 محل اقامتی را معرفی و خانه محل اقامتش خراب و
 داخل خیابان شود و بدینجهت آنرا تغییر دهد ولی از این
 تغییر محل اقامت دادگاه را مطلع ننمود در این صورت چه
 میشود کرد.

اگر اقامتگاه اول موجود بود نوشتجات بر طبق ماده
 ۲۷ قانون آزمایش آنجا فرستاده شده و سپس بدفترخانه
 دادگاه بازگشته و ابلاغ شده محسوب میگردد.

ولی در اینمورد مطابق فرضی که کردیم محل اقامت
 اول باقی نمانده است تا اوراق با آنجا فرستاده شده و سپس
 در دفترخانه برگردد.

بهر این است بگوئیم که در اینمورد مثل جائی است
 که مدعی محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده و منتظر
 تعیین محل اقامت جدید بشویم.

باید دانست که هیچیک از متداعیین و وکلای عدلیه
 نمیتوانند مسافرتها موقتی خود را تغییر محل اقامت حساب
 کرده ابلاغ اوراق دعوی مربوطه بخودرا در محل مزبور
 تقاضا کنند تغییر محل اقامت وقتی پذیرفته میشود که مطابق
 ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی حقیقتاً تغییر یافته یعنی اکثریت
 منافع شخص بجای دیگری منتقل شده باشد.

۳- اگر کسی که میبایستی عرضحال به او

ابلاغ شود از اشخاص حقوقی باشد ابلاغ

بچه ترتیب بعمل می آید

اگر شخص حقوقی از اشخاص رسمی است مثل

اقلام دادگاه کافی است و دادگاه مکلف نیست احراز کند که
 حتماً ابلاغ عمل آمده است

اصول محاکماتیکه در شرف تصویب است ابلاغ را به
 ترتیب ذیل مقرر داشته

ابلاغ عرضحال و منضمات باید بتوسط مأمور ابلاغ
 بعمل آید و مأمور نامبرده مکلف است آنرا در ظرف در روز
 بشخص مدعی علیه ابلاغ کند و در صورت امتناع مدعی علیه
 از گرفتن اوراق امتناع او را به تصدیق دو نفر شاهد از اهل
 محل در ورقه ابلاغ ناما قید و بدفتر دادگاه عودت دهد

هرگاه مأمور نتواند عرضحال را بشخص مدعی علیه
 برساند باید در محل اقامت او یکی از بستگان یا خادمین او
 یا سایر اشخاصیکه در آن محل سکونت دارند ابلاغ نماید
 مشروط بر اینکه بنظر مأمور سن ظاهری این اشخاص برای
 تمیز اهمیت ورقه عرضحال کافی باشد و مشروط بر اینکه
 بدین مدعی علیه و شخصیکه ورقه را دریافت میدارد تعارض
 منفعت نباشد.

اگر اشخاص مذکور فوق نتوانند بواسطه بیسوادی یا
 بجهت دیگری رسید بدهند مأمور ابلاغ عرضحال و ضامنه
 آنرا با حضور یک نفر یا سببان یا امنیه و یا دو نفر شاهد از اهل
 محل بآنها تسلیم کرده مراتب را در ورقه ابلاغ ناما قید و به
 امضای شهود مبرساند.

و اگر از گرفتن اوراق استنکاف کنند و یا هیچ
 يك از آن اشخاص در محل یافت نشود اعلامیه خطاب به
 مدعی علیه متضمن دعوت او در مراجعه بدفتر محکمه که
 بدعوی رسیدگی خواهد کرد برای دریافت عرضحال و ضامنه
 آن ترتیب داد بدرب اقامتگاه او الصاق میکند بمالوده آگهی
 در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیر الاشاره که
 وزارت عدلیه برای آگهی های رسمی در مرکز و شهرستانها
 معین میکند سه دفعه متوالی متضمن مفاد عرضحال و اینکه
 اعلامیه بدرب اقامتگاه او الصاق شده است منتشر خواهد شد
 تا یکماه پس از انتشار آخرین آگهی در صورتیکه مدعی علیه
 برای ابلاغ بدفتر دادگاه مراجعه نکند مدبر دفتر مراتب را

ادارات دولتی و شهرداری در اینصورت ابلاغ بر رئیس و با قائم مقام او و اگر مدعی علیه از اشخاص حقوقی غیر رسمی باشد مثل شرکتها در اینصورت عرضحال و منضمات بمدیر شرکت یا اشخاص دیگری که حق امضا از طرف شرکت دارند ابلاغ میشود در دعاوی راجع بورشکسته بکسخنه عرض حال و منضمات آن بتوسط عضو نظریه هیئت تصفیه ابلاغ خواهد شد و يك نسخه بشخص ورشکسته.

۴- محل اقامت مدعی علیه معلوم نیست

اگر محل اقامت مدعی علیه یا مدعی بتواند معین کند در اینصورت عرضحال و خلاصه ضمیمه آن بخرج مدعی در مطوعات اعلان میشود در اینمورد مدعی علیه میتواند قلمگاه خود را معرفی کرد. در اینصورت اوراق دعوی و منضمات به اقامتگاه که معین کرده است ابلاغ خواهد شد مدعی نیز میتواند در صورتیکه بعد از اعلان در مطوعات از قلمگاه مدعی علیه مطلع شود تقاضای ابلاغ عرض حال را بایقامتگاه او بنماید

اعلان در مطوعات اغلب به نتیجه نمیرسد و مدعی علیه از دعوائیکه بر علیه او اقامه شده مطلع نمیکردد بهمین جهت لایحه جدید اصول محاکمات از نظر اطمینان به ابلاغ مقرر داشته که هرگاه محل اقامت مدعی علیه معین نشد و در ایران محل غیر منقول داشته باشد علاوه بر اعلان در جرائد مدیر دفتر دادگاه در ظرف دو روز از تاریخ اطلاع يك نسخه از عرضحال را بمنسأجر یا مباشر مدعی علیه در محل وقوع ملک میفرستد البته باین ترتیب بیشتر میتوان اطمینان کرد که ابلاغ مدعی علیه بعمل می آید.

۵- محل اقامت مدعی علیه در حوزه دیگری است یا در خارجه اقامت دارد

اگر مدعی علیه در حوزه دیگری اقامت دارد عرضحال بتوسط مدیر دفتر آن دادگاه ابلاغ میشود و اگر در جائسی فوت دارد که دادگاه نیست توسط اداره شهرداری یا امنیه و اگر نباشد بتوسط بخشداری ابلاغ خواهد شد. هرگاه مدعی

علیه در خارجه باشد عرضحال توسط وزارت امور خارجه تبلیغ می گردد.

ترتیب ابلاغ

در حین ابلاغ مأمور تاریخ تبلیغ را در نسخه که تسلیم میکند قید می نماید و رسید در ورقه مخصوص با تعیین تاریخ تبلیغ خواهد گرفت هرگاه گیرنده ابلاغ نامه نخواهد و یا نتواند رسید بدهد مأمور این نکته را در ورقه رسید با جهت آن ذکر میکند. مأمور ابلاغ در موقع لازمه دو نفر ناهد از اهل محل یا اداره شهرداری یا خود همراه بر میدارد در صورت امتناع مدعی علیه از قبول عرضحال کسانی که نسبت باین نکته شاهد باشند صورت مجلس را امضا می نمایند.

عدم رعایت مقررات مربوط بابلاغ مستلزم کدام ضمانت اجرائیه است

در صورتیکه عرضحال و منضمات آن موافق مقررات مذکوره ابلاغ نشود بحکم دادگاه ابلاغ از درجه اعتبار ساقط میشود مگر در صورتیکه مدعی علیه جواب کتبی خود را داده بدرضمن همان پاسخ تقاضای ابطال نکرده باشد درین صورت دیگر بعدها حق اعتراض نخواهد داشت - در اینمورد از این جهت برای مدعی علیه حق تقاضای بطلان ابلاغ شناخته نشده که جواب کوئی دعوا و عدم اعتراض او کاشف از این است که از مفاد دعوا مطلع شده و وقت کافی هم برای دفاع داشته است

اصول محاکماتیکه در شرف تصویب است مقررات جدیدی بابلاغ اضافه کرده است:

در دعاوی راجعه به اهالی محل معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آنها غیر محصور است يك نسخه از عرضحال بشخص یا اشخاصی که طرف معارضه هستند ابلاغ میشود و نسخه دیگر بکدخدایا شهرداری محل تسلیم میگردد و يك نسخه عرضحال در جایگاه عمومی محل دیوار الصاق خواهد شد.

در صورتیکه شرکاء ملك يا قنات که عده آنها بیش از یازده نفر باشد طرف دعوی واقع شوند عرضحال بدو نفر از شرکاء که سهم آنها از دیگران بیشتر است ابلاغ میشود و بعلاوه مفاد عرضحال و ضمائم آن در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیر الانتشار که وزارت عدلیه برای این قبیل از آگهی ها معرفی مینماید سه دفعه متوالی آگهی خواهد شد و روز انقضاء سه ماه از تاریخ آخرین آگهی تاریخ ابلاغ بتمام شرکاء محسوب است.

ابلاغ عرضحال تا جلسه

مدعی علیه باید در ظرف ۱۰ روز پس از وصول عرضحال بادعای مدعی جواب داده رو نوشت گواهی شده اسناد و دلایل خود را ضمیمه نماید و ضمن همین پاسخ باید نسبت بصلاحيات دادگاه و سایر ایرادات اظهارات خود را کرده و اگر دعوی جمل سند دارد بضمیمه و تقاضای تحقیق محلی و استعلام از اهل خبره و هر نوع دفاع دیگری را اظهار کنند این جواب با منضمات آن باید در دو نسخه باشد و در صورت تعدد مدعی بعده مدعیان بعلاوه يك نسخه بعد از وصول جواب مدعی علیه مدیر دفتر باید يك نسخه از جواب را با منضمات بایگانی و نسخه دیگر را با منضمات در ظرف دو روز بوسیله مأمور بمدعی ابلاغ نماید. اگر جواب مدعی علیه تا آخر روز دهم بدفتر دادگاه واصل نشد دادگاه بتقاضای مدعی غیاب رسیدگی کرده حکم خواهد داد گاه میشود که مدعی علیه جواب خود را تا آخر روز دهم بدفتر دادگاه نمیفرستد مدعی هم تقاضای رسیدگی غیابی نمیکند بعداً مثلا روز (۱۲) جواب مدعی علیه میرسد در اینصورت آیا دفتر میتواند این جواب را برای مدعی ارسال دارد و بانه؟ بعضی از دادگاهها عقیده بر این دارند که چون قضائی از مدعی نرسیده ممکن است جواب مدعی علیه را برای او فرستاد ولی این نظر قابل خدشه است زیرا:

اولا - اگر قانون موعدی را برای انجام امری مقرر کرد، ظاهر این است که انجام این امر در خارج از این موعد دارای آثار قانونی نباشد.

ثانیا - بر فرض هم ارسال جواب را در خارج از موعد

دارای آثار قانونی بدانیم این آثار منحصر بموردی خواهد بود که مدعی از حق تقاضای رسیدگی غیابی خود صرف نظر کرده باشد و حال آنکه مطابق فرضیکه شده مدعی اعراض از حق خود ننموده و سکوت او را هم نمیتوان کاشف از صرف نظر کردن از حق دانست بنا بر این ارسال جواب مدعی علیه برای مدعی خارج از موعد مجوزی ندارد. قانون فعلی معین نکرده که در اینصورت کار چه جریانی را پیدا میکند ولی اصول محاکماتی که در شرف تصویب است پیش بینی نموده که اگر یکی از طرفین پاسخ خود را در موعدمقرر بدفتر دادگاه برساند مدیر دفتر جلسه محاکمه را معین و بطرفین اطلاع میدهد در اینصورت یا طرفین حاضر شده یا حاضر نشده و یا یکی از آنها حاضر نخواهد شد در هر حال تکلیف کار در جای خود تعیین گردیده است و پرونده بدون اقدام نمی ماند.

شکال:

گاهی میشود که مدعی اعراض به نیت ملك بدهد و مدعی علیه در ظرف ده روز جواب نمیدهد مدعی هم تقاضائی نمیکند تا شصت روز از تاریخ عرضحال بگذرد سپس مدعی علیه ماده ۱۸ قانون نیت اسناد را عنوان کرده می گوید چون معترض پس از تقدیم عرضحال در مدت شصت روز دعوی خود را تعقیب نکرد دادگاه مکلف است بتقاضای او قرار اسقاط دعوی اعراض را صادر نماید

در اینصورت تکلیف دادگاه چیست؟

شاید عدم تعقیب از طرف معترض بدینجهت بوده که جوابی از طرف مدعی علیه داده نشده و تصور میکرده که از این جریان دفتر تکلیف دارد او را مطلع نماید ولی این جهت موجه نبوده و معترض میتواند با رجوع بدفتر از جریان کار و نرسیدن جواب مدعی علیه مطلع شده و تقاضای رسیدگی غیابی کند حال که این اقدام را بعمل نیاورده و شصت روز از تاریخ دادن عرضحال گذراند مدعی علیه خواهد توانست ماده ۱۸ را عنوان نموده و تقاضای اسقاط دعوی او را بکنند دادگاه مکلف است قرار اسقاط دعوی معترض به نیت را صادر نماید.